

جریان سازی پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی ایران در نیجریه

مجید رسولی^۱

عضو هیات علمی گروه ژئوپلیتیک دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۹ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۳

چکیده

پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، شیوه‌ای جدید از زیست در جهان مدرن را معرفی می‌کند و می‌کوشد با نقد سازنده تمدن مادی معاصر درباره پیامدهای رفتارهای مکانیکی و بدون هدف انسان مدرن، هشدار دهد. جنبش اسلامی نیجریه یکی از جنبش‌های متأثر از انقلاب اسلامی ایران است که از آغاز قرن ۲۱ با وجود محدودیت‌های مضاعفی که هم از سوی حکومت مرکزی و هم از سوی گروه‌های سلفی به رهبری عربستان بر آن وارد می‌شود، دوران انزوا را پشت سر گذاشته و فعالیت سیاسی خود را آغاز کرده است. جنبش اسلامی نیجریه که تا پیش از دهه ۱۹۹۰ میلادی برای بسیاری شناخته شده نبود منبعث از گفتمان و پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی توانست گام‌های جدی را در مسیر احیای هویت و باورهای شیعیان در غرب آفریقا بردارد. این مقاله با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان، می‌کوشد تا با مطالعه کنش گفتاری و رفتاری رهبر و پیروان جنبش مذکور، نحوه عملکرد و ابعاد پارادایم فکری و الگوی دیپلماسی فرهنگی انقلاب اسلامی را در نیجریه نشان دهد. مقاله با مفروض گرفتن این نکته که گفتمان انقلاب اسلامی، ملهم از آموزه‌های باطنی و ظلم‌ستیز شیعیان است، این فرضیه را مورد آزمون قرار خواهد داد که «الگوی دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر الزامات معرفتی حاصل از گفتمان شیعی است که منجر به آرمان‌خواهی، احیای هویت، ظلم‌ستیزی و نوزایی فکری در پیروان خود می‌شود.» یافته‌های این مقاله بر شباهت‌های انکارناپذیر گفتمانی جنبش شیعیان نیجریه با گفتمان انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر مواضع شیخ احمد زکراکی، تمرکز دارد.

واژگان کلیدی

ایران، دیپلماسی فرهنگی، آفریقا، نیجریه، زکراکی

مقدمه

گفتمان را می‌توان به مثابه بخشی از جهان‌بینی و شیوه نگرشی دانست که انسان‌ها در تعاملات و به ویژه در نحوه مواجهه با مسائل و مشکلات اتخاذ می‌کنند. از این منظر به نظر می‌رسد برای فهم معقول مبانی و مبادی شناختی در گفتمان انقلاب اسلامی، ابتدا باید نظام انگیزشی تشیع را مورد بررسی قرار داد. با این مقدمه نظری و با در نظر داشتن این نکته که نظام ادراک، باورها و فهم انسان‌ها خصلت و مبنایی اجتماعی دارد و همچنین با مفروض گرفتن این موضوع که پارادایم فرهنگی جمهوری اسلامی به علت تلاش برای تحقق اهداف و آرمان‌های خود همواره در چالش با نظام بین‌الملل به سر برده است؛ پرسش اصلی که در این نوشتار مطرح می‌شود این است که الگوی گفتمان انقلاب اسلامی چگونه اسلام‌گرایان را در نیجریه از خود متأثر کرده است؟ و آثار این گفتمان چگونه منجر به گفتمان مقاومت شیعی در برابر سرکوبگری‌های دولت نیجریه و جنبش‌های وهابی شده است؟ این نوشتار در پاسخ به این پرسش‌ها آنچه را که به عنوان فرضیه اصلی مورد آزمون قرار می‌دهد این است که الزامات معرفتی حاصل از پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی ایران منجر به تکوین دیپلماسی فرهنگی در قالب گفتمان مقاومت شیعی در سرزمین نیجریه شده است. لازم به ذکر است، این نوشتار با بهره‌گیری از روش توصیفی و تبیینی متأثر از مولفه‌های مکتب سازه‌انگاری و رویکرد فرهنگ‌گرایانه و مطابق دیدگاه‌های مرسوم در مطالعات مربوط به «جامعه‌شناسی معرفت» از جمله دیدگاه برگر و لوکمان (۱۳۷۵) و مک‌کارتی (۱۹۹۶) تنظیم شده است. مطابق این دیدگاه، امور اجتماعی و سیاسی، فقط درون ساخت‌های گفتمانی قابل فهم است و به عبارت بهتر هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار و قابل فهم شدن باید درون نظام گفتمانی قرار گیرند چراکه این اجزای گفتمان‌ها هستند که به فهم افراد هر جامعه از جهان شکل

می‌دهند. مقاله در ادامه برای آزمون فرضیه، نخست به تبیین تفهیمی پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی می‌پردازد و پس از مروری بر روند تشکیل جنبش‌های شیعی نیجریه تأثیرات حاصل از انقلاب اسلامی ایران را بر تحولات شیعیان این کشور مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱- تبیین نظری مفهوم صدور انقلاب پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی ایران

تا پیش از تحولات اساسی بین‌المللی در اواخر سده گذشته میلادی، توجه به «قدرت»، «منافع ملی»، «ساختار» و «نهاد» برای مطالعه سیاست کشورها رواج بسیاری داشت. اما ناکامی نظریه‌های پوزیتیویستی در پیش‌بینی و تحلیل تحولات، توجه به عوامل «فرهنگی» و «اجتماعی» را در دستور کار نظریه‌پردازان و جامعه‌شناسان فرهنگی قرار داد. در نگرش تکوین‌گرایی اجتماعی بر نقش «ساختارهای معرفتی و معنوی» تأکید شده است و آنها را تا سطح یک متغیر مستقل برای تبیین فرهنگ سیاسی ملت‌ها بالا می‌برد. این مکتب از حوزه جامعه‌شناسی به ویژه از نظریه‌هایی نظیر «پدیدارشناسی»، «روانشناسی اجتماعی»، «ساختاریابی» تأثیر پذیرفته و از آنها برای تبیین و درک «ساخت اجتماعی علم و دانش»^۱ از «منظر معرفت‌شناسی»^۲ و چگونگی «برساختن حیات اجتماعی»^۳ از منظر «هستی‌شناختی»^۴ بهره می‌گیرد (Kubalkova, 1998: 19-20). بر این اساس، تکوین‌گرایان اهمیت خاصی برای تأثیرگذاری «ایده‌ها» و «افکار» قائلند و بر این باورند که «ایده‌ها»، «باورها» و «ارزش‌های مشترک» نیز دارای ویژگی‌های ساختاری هستند و نفوذ موثری بر کنش‌های اجتماعی و سیاسی دارند. از این دیدگاه، آنچه که ساختار اجتماعی بشری



1- Social Construction of knowledge

2- Epistemology

3- construction of social reality

4- ontology

را شکل می‌دهد نیز ایده‌ها و باورهای مشترک هستند و از طریق این باورهای مشترک است که «هویت» و «منافع» بازیگران به وجود می‌آید. در واقع آن گونه که «اریک رینگمار»^۱ بیان می‌کند «هویت‌ها، منافع را شکل می‌دهند و منافع نیز سرچشمه اقدام‌ها هستند و به نوبه خود، کنش‌ها و رفتارها را در سیاست خارجی به وجود می‌آورند و در عین حال مشروع یا نامشروع بودن برخی از اقدامات را نیز در فرهنگ سیاسی یک کشور تعیین می‌کنند» (Ringmar, 1997: 181). صرف نظر از آنچه گفته شد، یکی از دستاوردهای اصلی این نظریه در بررسی «هویت اجتماعی» این است که هویت از بیگانه و «دیگری»^۲ نشأت گرفته است. به عبارت بهتر یک فرد از آن حیث فرانسوی به شمار می‌آید که آمریکایی و آلمانی و... نیست و «ما» خود را به این علت به عنوان «ما» شناسایی می‌کنیم که از «آنها» و «دیگران» متمایز هستیم (برایان فی، ۱۳۸۱: ۵۸-۹۳). از این منظر، «هویت»^۳ به مفهوم وضعیت شبیه بودن به برخی بازیگران و تفاوت داشتن از دیگران و شامل ایجاد مرزهایی است که «خود» را از «دیگران» جدا می‌کند. هویت یک ساخته ذهنی و روانی است که چگونگی فکر کردن، احساس کردن، سنجش و سرانجام رفتار در وضعیت‌های مرتبط با «دیگران» را توضیح داده و تعیین می‌نماید. این مفهوم اگر چه به تعبیر «لیلیان اسمیت»^۴ در کتاب «قاتلان رویاها»^۵ هیچگاه به درستی معلوم نیست که چه زمانی، کجا و چگونه آموخته می‌شود (Smith, 1963: 17). اما به طور شناختی به افراد کمک می‌کند تا با وضعیت‌های پیچیده مواجه شوند. به تعبیر تکوین گرایان، جهان بدون هویت‌ها، جهانی آشفته، پراکنده و غیر مطمئن و حتی مخاطره‌آمیزتر از جهان آنارشیک است و نه فقط نمی‌توان نقش گفتمان‌ها را در تعیین رفتار دولت‌ها نادیده انگاشت بلکه به

1 - Eric Ringmar

2 - Others

3 - Identity

4 - Lillian Smith

5 - Killers of Dreams

عبارت دیگر کنشگران بر اساس درک و تصویری که از هویت و گفتمان خود دارند، به تعریف گفتمان «منافع» می‌پردازند و رفتار آنها به ویژه در برابر گفتمان‌های سلطه‌گر، بیشتر محصول این تعریف از منافع است. مطابق این مطالب، می‌توان ملاحظه کرد که ارزش‌ها و باورهای منجر به انقلاب اسلامی نیز به مثابه یک گفتمان جدید این قابلیت را داشته است که ضمن مرزبندی با دیگر گفتمان‌های موجود به تلاش برای مقاومت در برابر گفتمان‌های مادی مبادرت کند. بر این اساس منظور از گفتمان انقلاب اسلامی در این نوشتار، پدیده‌ای است که ریشه در سنت دیرینه اسلام شیعی دارد و نخستین تجربه تلفیق معنویت‌گرایی با سیاست در عصر حاضر به شمار می‌رود. این گفتمان افزون بر آنکه قدرت را در یک رابطه سازواره با معرفت دینی و عرفانی تعریف می‌کند ملاک‌های متفاوتی را برای «خودی‌ها» و «دگرها» در عرصه ملی و فراملی به دست می‌دهد و به واسطه الزامات و صورت‌بندی‌های خاص گفتمانی، ضمن تزریق متغیرهای بی‌بدیع و از جمله تزریق معنویت به کالبد سیاست بین‌الملل، کانون‌های متعدد مقاومت را در برابر گفتمان حاکم بر نظام بین‌الملل بسیج کند. پیروزی گفتمان انقلاب اسلامی ایران در شرایطی که رژیم شاهنشاهی ایران از حمایت زیادی به ویژه از سوی غرب برخوردار بود، متضمن این پیام بود که انقلاب اسلامی ایران تحت تاثیر اراده تشریحی خداوند و امدادهای غیبی او قرار دارد. رهبر انقلاب اسلامی (ره) در شروع وصیت نامه خود در رابطه با نقش امدادهای غیبی الهی در پیروزی انقلاب می‌گویند:

«این انقلاب بزرگ که دست جهانخواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد با تاییدات غیبی الهی پیروز گردید، اگر نبود دست توانای خداوند، امکان نداشت جمعیت سی و شش میلیونی با آن تبلیغات ضد اسلامی و ضد روحانی بتواند قیام کند...» (امام خمینی ۱۳۷۷: ۳۲).

از منظر برخی از مسلمانان و به ویژه شیعیان ایران و جهان، انقلاب اسلامی ایران با توجه به جلوه‌های شیعی آن در حقیقت، میدان بسیار وسیعی بود که خداوند برای

آزمایش ملت‌ها فراهم کرده است؛ در این راستا امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران تصریح می‌کنند:

«اسلام دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالتند، دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند، مکتب مبارزان و مردم ضد استعمار است... شکل ناقصی که در حوزه‌های علمیه عرضه می‌شود برای این منظور است که خاصیت انقلابی و حیاتی اسلامی را از آن بگیرند و نگذارند مسلمانان در کوشش و جنبش و نهضت باشند، آزادی خواه باشند، دنبال اجرای احکام اسلام باشند، حکومتی به وجود بیاورند که سعادت آنان را تامین کند، چنان زندگی کنند که در شان انسان است...» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۰-۱۱).

از سوی دیگر، میراث اندیشه شیعی و اسلامی در گفتمان انقلاب اسلامی، با توصیه به شهادت و جهاد در راه حق و توجه دادن پیروان به الگو برداری از قیام امام حسین (ع) در حقیقت از همان ابتدا وضعی را به وجود می‌آورد که شیعیان نسبت به سیاست و قدرت دنیوی بی‌اعتنا می‌شدند (عنایت ۱۳۷۲: ۵۶). فلسفه انتظار در اندیشه شیعه و منتظر ماندن برای ظهور یک منجی که می‌تواند همه دردها را تسکین و به بی‌عدالتی‌ها خاتمه دهد نیز از دیگر عواملی محسوب می‌شد که اندیشه مسلمان شیعه را در این گفتمان به سمت و سوی آرمان‌خواهی سوق می‌داد و بروز و تاثیر آن را در زندگی شیعیان در قالب فرهنگ جهادی و مبارز جلوه‌گر می‌ساخت. به تعبیر حمید عنایت فرهنگ شیعه با ویژگی‌هایی نظیر باطنی‌گری اسلامی حس‌گرایی و عاطفه‌گرایی و اعتقاد به عصمت و حقیقت مطلق (عنایت ۱۳۷۲: ۴۱ و ۴۸). در نهایت پیام اصلی خود را به گونه‌ای صادر می‌کرد که گویی این امر به معنای تعهد از دل و جان برای دستیابی به اهداف والای اجتماعی و سیاسی است. (عنایت ۱۳۷۲: ۵۵). در مجموع به نظر می‌رسد، نگرش‌های ناشی از تفکر اسلامی و شیعی در ایران، که

در بیشتر موارد با تاملات عرفانی همراه است، از معنای رایج سیاست که به تخصیص آمرانه منابع محدود دنیایی و به تبع آن قدرت دنیوی توجه دارد، به شدت فاصله می‌گیرد (رجایی ۱۳۷۶: ۲۱۵). مطابق این دیدگاه، به علت آن که ذهن متوجه کمال مطلوب می‌شود، در مجموع پیام گفتمان انقلاب اسلامی به عاملی برای بازتولید فرهنگ جهادی و آرمان خواه در بین شیعیان بدل می‌شود.

۲- الزامات گفتمانی در پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی ایران

پارادایم حاکم بر دیپلماسی فرهنگی انقلاب اسلامی ایران با صورت‌بندی گفتمانی منحصر به فرد خود توانسته است که شیوه عملکرد خاصی را برای مسلمانان و شیعیان جهان صادر و ارائه کند. از ویژگی‌های این دیپلماسی می‌توان به صورت مشخص به موارد ذیل اشاره کرد.

۲-۱- آرمان‌گرایی اسلامی

یکی از ویژگی‌های مهم هر گفتمان را می‌توان «یوتوپیا»^۱ و آرمان‌های آن دانست (نک: مانهایم، ۱۳۸۰: ۹۸-۱۰۳)؛ مروری اجمالی بر برخی از آیات قرآنی به عنوان «دال برتر»^۲ در پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی نشان‌دهنده‌ی این نکته است که گفتمان انقلاب اسلامی به ویژه در قانون اساسی خود تحقق آرمان‌هایی جهان‌شمول نظیر تحقق امت واحده‌ی اسلامی، پیروزی نهایی حق بر باطل، حاکمیت اسلام در جهان، پیروزی نهایی مستضعفان بر مستکبران، برتری نهایی مسلمانان بر غیرمسلمانان و را که تحت تاثیر اراده تشریعی خداوند وامدادهای غیبی وی محقق خواهند شد، به عنوان آرمان‌های اسلامی معرفی می‌کند. در همین حال، فلسفه انتظار در اندیشه اسلامی و منتظر ماندن برای ظهور یک منجی که می‌تواند همه دردها را تسکین و به بی‌عدالتی‌ها خاتمه دهد از عوامل محسوب می‌شد که اندیشه انقلاب اسلامی را به سمت و سوی مقاومت در برابر ظلم سوق می‌دهد و بروز و تاثیر آن را



1- Utopia

2- Master Signifier

در زندگی مسلمانان در قالب فرهنگ جهادی جلوه گر می‌سازد. به تعبیر حمید عنایت ویژگی‌هایی نظیر باطنی‌گری اسلامی حس‌گرایی و عاطفه‌گرایی و اعتقاد به عصمت و حقیقت مطلق (عنایت ۱۳۷۲: ۴۱ و ۴۸). در نهایت پیام اصلی خود را به گونه‌ای اعلام می‌کرد که گویی این امر به معنای تعهد از دل و جان برای دستیابی به اهداف والای اجتماعی و سیاسی است. پارادیم دیپلماسی فرهنگی انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از آموزه‌های آرمانی در گفتمان اسلامی و با تمسک به «انسان کامل» که در گفتمان اسلامی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است، از سویی می‌تواند معیارهایی منحصر به فرد را برای انتقاد از گفتمان‌های اقتدارگرا، فاسد، نالایق و نامشروع به دست آورد و از سوی دیگر با بهره‌گیری از آموزه‌های دیگر گفتمان اسلامی نظیر ایثار، جهاد و شهادت، برنامه‌هایی جدی را برای حمله و انتقاد از گفتمان‌های رقیب تدارک ببیند. به عبارت بهتر از این منظر، میراث گفتمانی و اندیشه‌ی آرمان‌گرای اسلامی با توصیه به شهادت و جهاد در راه حق؛ درحقیقت از همان ابتدا وضعی را به وجود می‌آورد که مسلمانان را نسبت به سیاست و قدرت دنیوی بی‌اعتنا می‌سازد (عنایت، ۱۳۷۲: ۵۶).

۲-۲- نوزایی اسلامی

یکی دیگر از مولفه‌های مهم به ویژه در پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی را که الزامات و پیامدهای قابل‌اعتنایی را بازتولید می‌کند، می‌توان «نوزایی» یا تجدید حیات اسلامی دانست که بر پایه مولفه‌ی آرمانگرایی در گفتمان انقلاب اسلامی صورت می‌پذیرد. تجدید حیات اسلامی هر چند به لحاظ گفتمانی هنوز پدیده‌ای نیمه تمام محسوب می‌شود اما در مجموع فرایندی است که به ویژه در قرن بیستم با الهام بخشی به جنبش‌های متعدد رهایی بخش، گام‌هایی تعیین‌کننده را برای صورت‌بندی جدید گفتمانی در جهان اسلام برداشته است. در این راستا تغییرات و تحولات گفتمانی در تمدن اسلامی و در آستانه‌ی قرن بیستم میلادی در آثار نویسندگان بزرگی نظیر محمد

عبد، قاسم امین، عبدالرحمن کواکبی، فرح آنتوان، شبلی شمیل بازتاب یافتند و اندیشه‌های روشنگرانه‌ی رهایی بخش اجتماعی و سیاسی همه‌ی رهبران مترقی مسلمان را در بر گرفت (لوین، ۱۳۷۸: ۱۸۴). این تحول گفتمانی هر چند در نیمه‌ی قرن بیستم سرعت کندتری یافت اما در قالب‌های مختلف دیگر و از جمله آثار دکتر علی شریعتی و انقلاب اسلامی ایران در تمدن اسلامی بازتولید شدند. آنچنان که بابی سعید نیز اشاره می‌کند یکی از ویژگی‌های مهم در فرایند نوزایی اسلامی، استفاده از برخی دستاوردهای مدرنیسم علیه کهنه‌پرستی‌های موجود در جهان اسلام و در عین حال مرکزیت‌زدایی از باورهای موجود در تمدن غربی بود (سعید، ۱۳۷۹: ۱۳۵). به عبارت بهتر این جریان توانست همزمان با کنار گذاشتن بسیاری از باورهای خرافی در گفتمان اسلامی این گفتمان را «تامیتی» معنادار بخشد که در آن گفتمان غرب، به عنوان منکر تمدن اسلامی، گفتمانی مهاجم، امپریالیست، سرکوبگر و تخریب‌کننده‌ی ارزش‌های فرهنگی در تمدن اسلامی محسوب شود. بدین ترتیب به نظر می‌رسد گفتمان انقلاب اسلامی در فرایند نوزایی توانست با تخریب رابطه‌ی مدرنیته و غرب که زمانی و در جریان باورهای کمالیستی مرادف یکدیگر تصور می‌شدند فضایی را ایجاد کند که در پرتو آن نوزایی اسلامی به عنوان گفتمانی سیاسی، منتقد وضع موجود و در عین حال مهم و تاثیرگذار، پدیدار شود (سعید، ۱۳۷۹: ۱۳۶-۱۳۵). چند فرآیند و الزامات گفتمانی در نوزایی اسلامی حاصل از انقلاب اسلامی در بیشتر موارد از سوی تحلیل‌گران در ضدیت با غرب خلاصه می‌شود اما به نظر می‌رسد از دیگر الزامات گفتمانی این تحول می‌توان افزون بر پیشرفت‌های فلسفی، فرهنگی و هنری به افزایش نرخ آموزش و مشارکت زنان در نقاط مختلف جهان اسلام اشاره کرد که به تدریج می‌تواند منجر به توسعه‌ی بومی برای مناطق مذکور شود و عظمت و استیلا گفتمان غرب را در تنظیم امور جاری که به واسطه‌ی خودباختگی فرهنگی در جهان اسلام به وجود آمده بود، فروکاهد. در مجموع پدیده نوزایی یا احیای اسلامی را می‌توان به تعبیر قطب، «بازگشت به اسلام و پیاده شدن احکام اسلام‌گرایانه در تمامی شئون

گوناگون زندگی اجتماعی» دانست (قطب، ۱۳۷۴: ۷). که شاخصهای آن نیز مشتمل بر رجوع به قرآن کریم و سنت نبوی، ایجاد احساس کوتاهی و قصور نسبت به از دست رفتن حاکمیت اسلامی در جامعه، ایفای نقش جدی و اساسی توسط علمای اسلام و تاثیرگذاری بر توده‌های مردم در تمام نقاط جغرافیای اسلام است (قطب، ۱۳۷۴: ۷).

۲-۳- غرب‌گریزی

غرب‌ستیزی و مرزبندی با انسان و تمدن غربی، یکی دیگر از مهمترین الزامات پارادایم دیپلماسی فرهنگی انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. به عبارت بهتر با وجود آنکه تمدن اسلامی امروزه مجموعه‌ای منسجم را شامل نمی‌شود اما در ارتباط با مقوله‌ی تمدن غرب به تعبیر «ریچارد رورتی» (Rorty, 1989). «واژگان نهایی»^۱ مسلمانان به واسطه وقوع انقلاب اسلامی، روز به روز در حال تقریب است و دامنه‌ی مخالفت با گفتمان غرب تنها به مسلمانان افراطی که از سوی رسانه‌های گروهی در غرب به «بنیادگرایان»^۲ موسوم هستند، محدود نمی‌شود. مطابق نتایج نظرسنجی‌های سالیانه موجود در قلمرو و مرزهای کشورهای اسلامی که از سوی «انستیتو عرب آمریکا»^۳ به ویژه در کشورهای نظیر اردن، مراکش، امارات متحده و عربستان که دولت‌های آنان در بسیاری از موارد از متحدان نزدیک تفکر تمدن غربی محسوب می‌شوند، صورت گرفته است، نشان می‌دهد که نفرت از سیاست‌های غرب و به ویژه آمریکا در بین مردم این کشورها در مواردی حتی به میانگین بی‌سابقه‌ی ۸۵ درصد رسیده است. از سوی دیگر و از چشم‌انداز نظری نیز می‌توان استدلال کرد در حالی

1- Final Vocabularies

به باور رورتی هنگامی که از افراد خواسته می‌شود تا از مجموعه آرمان‌های خود تبیینی ارائه دهند، آنان در پاسخ مجموعه‌ای از کلمات و عبارات را دارند که به آنها متوسل می‌شوند که این عبارات را می‌توان همان واژگان نهایی دانست. رورتی توضیح می‌دهد که این واژگان بدان علت نهایی هستند که فراتر از آنها یا تکرار مکررات وجود دارد. (Rorty, 1989: 73) و یا جزیمت و سکوت وجود خواهد داشت.

2- Fundamentalists

3- The Arab American Institute survey

که گفتمان انقلاب اسلامی تبعیت از آموزه‌های آسمانی را اساس توسعه و پیشرفت تلقی می‌کند، دیگر گفتمان‌های موجود در عرصه نظام‌بین‌الملل به نوعی از پیشرفت زمینی نظر دوخته‌اند که به ندرت ابعاد آسمانی در چهره‌ی آن پدیدار می‌شود. این دو رویکرد متفاوت در نگرش به جهان به همراه منابع متفاوت شناخت منجر بدان شده است تا پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی بتواند خرده گفتمان‌های مبتنی بر مقاومت را به سهولت درون خود تولید و بازتولید کند. در این راستا با توجه به سابقه‌ی ستیز میان پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی و پارادایم فرهنگی غرب به نظر می‌رسد ابعاد غرب ستیزی به عنوان «غیریت زدایی» در پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی از اهمیت بسزایی برخوردار باشد. به عنوان یک نمونه از پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی، نامه‌ی تاریخی امام خمینی به «میخائیل گورباچف» رهبر وقت شوروی می‌تواند از عمق بی‌اعتقادی این گفتمان به ایده‌ی گفتمان غربی و الهام بخشی آن در جهان اسلام و جنبش‌های مقاومت اسلامی حکایت کند:

«... امروز اگر مارکسیسم در روشهای اقتصادی و اجتماعی به بن‌بست رسیده است، **دنایای غرب هم در همین مسائل، البته به شکل دیگر، و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است.** مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست. همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن‌بست کشیده و یا خواهند کشید. مشکل اصلی شما مبارزه طولانی و بیهوده با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است.» (امام خمینی، ۶۷/۱۰/۱۱)

مطابق آنچه در این بخش گفته شد مقاله در ادامه تاثیر این گفتمان را بر کنش‌های گفتاری و رفتاری جنبش اسلامی نیجریه و به ویژه رهبرای این جنبش مرور خواهد کرد.

۳- مروری بر چگونگی کنشگری جنبش اسلامی شیعیان نیجریه



اعتراضات جهانی شیعیان نیجریه با هشتگ «زکزاکي را آزاد کنید»^۱ به طور همزمان و معمول مدتی است که در فضای مجازی و سراسر اروپا، آسیا، خاورمیانه و آفریقا برگزار می‌شود. این امر به منظور فشار برای آزادی شیخ ابراهیم الزکزاکي، رهبر مسلمانان شیعه در نیجریه است که بدون محاکمه توسط دولت نیجریه بازداشت شده است. به دنبال سرکوب سه روزه خشونت‌آمیز دولت نیجریه علیه شیعیان این کشور که با قتل صدها نفر انجام شد، تعداد زیادی از جمله الزکزاکي و همسرش «ملاله زینت»^۲ زخمی و یا بازداشت شدند. هرچند یک قاضی دادگاه عالی فدرال دستور داد «اگر متقاضی (الزکزاکي) در بازداشت بمیرد... می‌تواند منجر به مرگ‌های بی‌مورد زیادی شود» (Okakwu, 2017). با این وجود، دولت فدرال به حکم دادگاه عمل نکرد (Adesomoju, 2018) و در نهایت پس از انتقادات بی‌وقفه جوامع حقوق بشری، دولت نیجریه پس از بیش از ۸۰۰ روز حبس، روز سه‌شنبه ۱۵ مه ۲۰۱۸ با تأخیر در دادگاه عالی ایالتی در کادونا به دادگاه الزکزاکي رسیدگی کرد. در سپتامبر و اکتبر ۲۰۱۸، نیروهای امنیتی نیجریه همچنین با صدها شیعه درگیر شدند که به ادامه بازداشت الزکزاکي در ابوجا اعتراض کردند که این برخورد خود منجر به شهادت حدود ۴۹۲ نفر از شیعیان شد (Falana, 2018).

الزکزاکي، رهبر جنبش اسلامی شیعیان در ابتدا یک مسلمان سنی مذهب بود. او همچنین یک فعال دانشجویی در دانشگاه احمدو بلوزاریا در اواخر دهه ۱۹۷۰ بود. او همچنین در دوره جوانی «انجمن دانشجویان مسلمان»^۳ را با هدف «اسلامی‌سازی زندگی عمومی» اداره می‌کرد. با این وجود، او با الهام از پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، به اسلام شیعی متمایل شد. در دهه ۱۹۸۰، او تبلیغ تشیع را در نیجریه آغاز کرد که این امر منجر به یافتن طرفداران قابل توجهی برای وی

1- #Free ZakZaky

2- Malam Zeenah

3- Muslim Students society

و در نهایت تشکیل جنبش اسلامی شیعیان شد. در اوج جنگ سرد، الزکراکی علیه سوسیالیسم و سرمایه‌داری تبلیغ می‌کرد و طرفدارانش را به سوزاندن قانون اساسی نیجریه در اعتراض به سکولاریسم ترغیب کرد (Zenn, 2017). وی همچنین تحت تأثیر ایده‌های سید قطب، در مورد تقسیم‌بندی بین اسلام و جاهلیت و اختلاف بین دین و بی‌اعتقادی اقدام به تدوین ایدئولوژی سیاسی خود کرد.

گفتمان مذهبی که جنبش زاکراکی آن را نمایندگی می‌کند متأثر از پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی ایران همچنین بر اتحاد ملت اسلامی نیز تأکید دارد. به بیان بهتر، گفتمان جنبش اسلامی نیجریه همانند پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی با دو ویژگی مهم متمایز می‌شود: نخست، بر مفهوم «شهادت» که به گفته الزکراکی، برای اسلامی‌سازی دولت و جامعه ضروری است و دوم در مورد نقش اعضا است که باید به تولی و تبری متعهد باشند و با هر آنچه که خدا دوست ندارد و آن را محکوم می‌کند مخالفت کنند. جنبش اسلامی نیجریه بزرگ‌ترین جنبش شیعه در آفریقا است که خواستار «پایان نفوذ غرب در کشور و اتخاذ دقیق اصول و سیستم‌های قانونی اسلامی» است. این جنبش دارای یک صفحه با عنوان الزکراکی در فیس بوک، یک وب‌سایت، یک ایستگاه رادیویی هوسه‌زبان به نام شهدا، یک روزنامه به زبان هوسه با عنوان المیزان و رژه صدها نگهبان شبه نظامی به نام حرس است (Zenn, 2017) و برند تشیع جنبش اسلامی نیجریه متأثر از جمهوری اسلامی ایران «دوازده امامی» است که در برابر «اسماعیلیه» غالب در شرق آفریقا و «زیدیه» در یمن است (Thurston, 2017). جنبش اسلامی نیجریه مانند «یک دولت در یک دولت» عمل می‌کند (Runsewe, 2017). طبق مرکز تحقیقات پیو، بین ۱۰ تا ۱۳ درصد از جمعیت مسلمان جهان شیعه هستند که ۶۸ تا ۸۰ درصد از این جمعیت در چهار کشور ایران، پاکستان، هند و عراق زندگی می‌کنند (Pew Research Centre, 2009).

جنبش اسلامی نیجریه از انگیزه‌ها و سبک عملیاتی بوکوحرام که به دنبال «حساسیت غرب تشنه نفت» شده، فاصله دارد و این جنبش همانند الگوی غالب در اسلام شیعی

متأثر از جمهوری اسلامی ایران بیشتر به عنوان یک جنبش توده‌ای شیعیان در نیجریه شناخته می‌شود که رهبر آن، الزکراکی طرفدار اتحاد درون و برون ایمانی، مدارا و صلح است و همچنین صدای مظلومین را بدون توجه به دین، منطقه و فرقه منعکس می‌کند.

۳-۱- مقاومت جنبش اسلامی نیجریه در برابر سرکوب

جنبش اسلامی نیجریه همانند پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی ایران اهمیت ویژه‌ای برای قیام عاشورا متصور است. هواداران این جنبش برای بزرگداشت آیین عاشورای حسینی سالانه سفر زیارتی به زاریا، خانه بنیانگذار این جنبش، الزکراکی را ترتیب می‌دهد. آنها معمولاً برای ملاقات با رهبر خود در یک مکان جمع می‌شوند و با تعداد زیادی حرکت می‌کنند و در بیشتر مواقع، در طول مسیر بزرگراه‌های اصلی را مسدود می‌کنند. بنا بر ادعای سازمان عفو بین‌الملل فعالیت‌های جنبش اسلامی نیجریه مانند راهپیمایی‌ها و تظاهرات‌ها معمولاً بدون مجوزهای لازم انجام می‌شود و منجر به درگیری با مقامات و روابط متشنج با جوامع آسیب‌دیده می‌شود و از این رو، الزکراکی بین سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۹۸ به طور متناوب در زندان بوده است. یکی از برخوردهای وحشیانه با این جنبش در نیجریه در ۲۵ ژوئیه ۲۰۱۴ در جریان راهپیمایی سالانه «روز بیت‌المقدس» (قدس) اتفاق افتاد که این روز نیز همواره اهمیت ویژه‌ای در پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی داشته است. سربازان دولت نیجریه در روز قدس سال ۲۰۱۴، ۳۷ نفر از هواداران جنبش اسلامی نیجریه از جمله سه پسر الزکراکی را بازداشت و به قتل رساندند. در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵ برخورد پلیس نیجریه منجر به کشته شدن ۳۴۷ نفر از هواداران جنبش اسلامی نیجریه توسط ارتش و تخریب محوطه و اماکن مقدس شیعیان در زاریا شد. برخورد پلیس نیجریه با شیعیان به نحوی بود که سازمان عفو بین‌الملل گزارش داد که «ارتش علیه حامیان جنبش اسلامی نیجریه از نیروی غیرقانونی و بیش از حد استفاده کرده است» (Chidiebube, 2019:224). در واکنش به این

کشتار، زنجیره‌های اعتراض در ایالت‌های شمالی نیجریه از جمله ابوجا، پایتخت دولت فدرال سازمان یافت تا دولت را مجبور به پیگرد قانونی یا آزادی رهبر جنبش اسلامی نیجریه و سایر طرفداران بازداشت‌شده کند. تلاش‌های دولت نیجریه برای توصیف جنبش اسلامی نیجریه به عنوان یک گروه تروریستی مانند بوکوحرام به عنوان ترفندی برای خدشه‌دار کردن چهره آن و سرکوب خشونت‌آمیز گروهی که حدود چهار دهه وجود داشته است، پذیرفته نشده است. با این وجود در ژوئیه ۲۰۱۹، قتل یک افسر ارشد پلیس به نام «عثمان عمر» و یک عضو جوان کانال‌های تلویزیونی در ابوجا، بهانه‌ای برای معرفی جنبش اسلامی نیجریه به عنوان یک گروه تروریستی فراهم کرد و در نتیجه این اتهام، دولت فدرال با تکیه بر قانون پیشگیری از تروریسم مصوب ۲۶ ژوئیه ۲۰۱۶ با صدور حکم دادگاه، جنبش اسلامی نیجریه را بار دیگر به عنوان گروه تروریستی تعیین و این حکم را در روزنامه رسمی منتشر کرد (Chidiebube, 2019:225).

در هفته اول آگوست ۲۰۱۹، الزکراکی و همسرش برای معاینه پزشکی در هند به قید وثیقه آزاد شدند و دادگاه تعقیب قضایی آنها را به تعویق انداخت. این دو چند روز پس از سفر، بدون دریافت مراقبت‌های پزشکی در هند به نیجریه بازگشتند. رهبر شیعه از برخورد ناعادلانه و محدودیت‌های شدید توسط عوامل امنیتی همراه نیجریه شکایت کرده بود. الزکراکی هرگونه بودجه خارجی برای کمک به جنبش اسلامی نیجریه رد می‌کند. وی همچنین اصرار دارد که کمک‌های مالی اعضا صرفاً برای اداره «بنیاد شهید» جنبش اسلامی نیجریه استفاده شود. با این وجود، گفته می‌شود که جمهوری اسلامی ایران با پرداخت ۱۰ هزار دلار ماهانه برای برنامه‌های رفاه اجتماعی مانند تغذیه و پناهگاه‌های خانگی به جنبش اسلامی نیجریه الزکراکی کمک می‌کند. طبق گفته ماتو پیچ، متخصص سابق وزارت امور خارجه، ایالات متحده در نیجریه، پایگاه خود را در زاریا به «مکانی برای افراد محروم در نیجریه» بدل کرده است (Abu-Nasr, 2017). ظرفیت الزکراکی برای بیان حقیقت تشیع با قدرت، وی را به



لحاظ گفتمانی عنوان یک صدا و محل تجمع جوانان محروم و حاشیه‌نشین در شمال نیجریه تبدیل کرده است. کنش‌های گفتاری و رفتاری او نخبگان مذهبی و سیاسی شمال را به عنوان همدستان در فقیرسازی طبقات پایین منطقه نشان می‌دهد و بدین ترتیب آنچه که در اصل، صدور گفتمان انقلاب اسلامی ایران و پارادایم فرهنگی جمهوری اسلامی ایران منبث از آموزه‌های شیعی است در برابر آنچه در نیجریه در حال وقوع است، از سوی مخالفان این پارادایم فرهنگی به عنوان «گسترش مرزهای خصومت با بلندپروازی‌های توسعه‌گرایانه ایران» بازنمایی می‌شود. در این چارچوب دولت نیجریه طی کیفرخواستی رسمی زکراکی را به پیاده‌سازی مدل انقلاب اسلامی ایران در آن کشور متهم و در کیفرخواست خود تصریح کرده زکراکی تحت تاثیر شدید آیت‌الله خمینی در ایران است که موفق به سرنگونی رژیم سابق ایران شد. (Yahaya, 2019:1)

برای مثال «پل سالم»^۱ از موسسه خاورمیانه در واشنگتن طی گزارشی و بدون ذکر هرگونه مستند معتبر، مدعی است: ایران درگیر جنگ صلیبی و جنگ جهانی خودش است. ایرانی‌ها تحت شعارهای مذهبی در حال ایجاد شبکه‌هایی هستند که می‌توانند از آنها در طول جنگ‌های مذهبی و سایر اشکال استفاده کنند. از این رو، هر کجا که آنها در حال گسترش باشند، احتمال یک اختلاف فرقه‌ای شیعه و سنی وجود دارد. ۲۳ این گزارش همچنین مدعی است که سپاه قدس ایران و حزب‌الله لبنان اطلاعات مربوط به منافع ایالات متحده و اسرائیل را در نیجریه رصد می‌کردند. (Chidiebube, 2019:225)

از سوی دیگر سرکوب شیعیان در نیجریه بارها توسط ایران محکوم شده است به نحوی که یک نماینده سابق ایالات متحده در نیجریه، اعتراض ایران به محدودیت الزکراکی را موجب پیچیدگی موضوع وی می‌داند و اذعان می‌کند که نقض حقوق بشر در مورد امتناع دولت از اطاعت از دستورات دادگاه مبنی بر آزادی وی، اعدام

1- Paul Salem

فرا قضایی اعضای جنبش اسلامی نیجریه و آخرین تلاش برای تعقیب وی موجب منازعه آشکار حامیان یا حامیان وی شده است. با توجه به این واقعیت که مطابق پارادایم فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، خون بر شمشیر پیروز است و استفاده از زور هیچگاه نمی‌تواند منجر به پیروزی باطل بر حق شود، دولت نیجریه نیز ناگزیر در مواجهه به کنش‌های رفتاری و گفتاری زکزاکی و پیروانش مدتی است که گزینه گفتگو برای حل مساله را بررسی می‌کند. موفقیتی که تاکنون در مذاکره در مورد انتقال همسر زکزاکی به بیمارستان برای درمان بیماری کرونا (خبرگزاری مهر، ۶ بهمن ۱۳۹۹) گفتگوهای دولت نیجریه با رهبران و اعضای جنبش نشان می‌دهد که تعامل سازنده می‌تواند واقعی‌ترین راه برای دولت نیجریه باشد و در این زمینه، رهبران مسلمان در نیجریه می‌توانند نقشی اساسی در ترغیب اعضای گروه‌های جهادی از جمله شیعیان برای نشستن بر سر میز مذاکره داشته باشند. در مجموع می‌توان گفت که با وجود استفاده مداوم از زور توسط ارتش برای سرکوب صداهای مخالف جنبش اسلامی نیجریه و نقض فاحش حقوق پیروان و رهبران این جنبش که پیوند ملی را در نیجریه از بین برده است اما جنبش اسلامی نیجریه متأثر از پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی ایران که خود مبتنی بر آموزه‌های مرجعیت شیعی در تاریخ تشیع است فعالیت‌های اجتماعی با اقتدار مدنی را تجربه می‌کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

رشد و گسترش تشیع در جامعه آفریقا با وجود بسترهای اجتماعی و ایدئولوژیک موجود در این قاره و تفاوت‌های نسبی که در بخش‌های مختلف آن وجود دارد، نیازمند سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی است. با وجود آنکه بستر اجتماعی قاره آفریقا به دلایل متعدد تطابق قابل توجهی با رویکردهای اعتقادی و پارادایم فرهنگی جمهوری اسلامی دارد اما آنچنان که توال نیز تصریح می‌کند آل‌سعود که متولی مهمترین اماکن مقدس جهان اسلام است خود را در عین حال تجلی سیاسی تسنن مبتنی بر فرقه‌ی وهابی می‌داند که این مساله خود موجب بروز موانع متعددی



برای جنبش‌های اصیل اسلام‌گرا در این قاره می‌شود. در همین حال، انتفاضه شیعیان نیجریه طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی و متأثر از پارادایم فرهنگی آن توانست در بازسازی جامعه شیعی این کشور تأثیر بسزایی داشته باشد و هویت فرهنگی شیعیان را تقویت کند. به واسطه این قیام جایگاه و منزلت اجتماعی گروهی از رهبران سیاسی که در جامعه شیعی نقشی حاشیه‌ای داشتند، ارتقا یافت. آنان با الهام از پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی ایران فعالیت‌های گوناگون دینی و سیاسی خود را در داخل و خارج از کشور گسترش دادند و بدین ترتیب شیوه‌های مبارزاتی بهتر و کارآمدتری را فرا گرفتند. آنچنان که این نوشتار نشان داد پارادایم فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با عناصری نظیر آرمانگرایی، نوزایی اسلامی و غرب‌ستیزی، شیعیان نیجریه را نیز به ایدئولوژی منحصر به فرد انقلابی تجهیز کرد که این ایدئولوژی می‌تواند خود مولد جریان‌های جدید و مترقی فکری در غرب آفریقا باشد. به بیان دیگر هرچند قدرت و ثروت حاکمان سعودی در غرب آفریقا تا کنون یکی از موانع جدی پیشبرد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی بوده است اما با این وجود به نظر می‌رسد تطبیع، ارباب و سرکوب شیعیان به هیچ وجه راه حل مناسب برای مقابله با این جریان نیست، به ویژه آنکه رستاخیز گفتمان شیعی در عراق، یمن و بحرین از آینده متفاوتی برای جهان اسلام حکایت دارد. بر اساس آنچه گفته شد، ملاحظه می‌شود که پارادایم فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، در شرایطی که جریانات اسلامی سنی میانه‌رو غرب آفریقا در تلاش برای بازسازی الگوی خلافت هستند و جریانات اسلامی سلفی نظیر بوکوحرام نیز می‌کوشند تا گفتمان فراگیری را در غرب آفریقا ایجاد کنند با ارائه نسخه‌ای مبتنی بر سه عنصر «آرمان‌گرایی اسلامی»، «غرب‌گریزی» و «نوزایی اسلامی» به همراه بهره‌گیری از قابلیت‌های «نمادین» و توانمندی‌های علمی و فناورانه به گفتمانی فراگیر و جایگزین برای برزیستن شیعیان و مسلمانان منطقه غرب آفریقا بدل شده است که این مهم نگرانی امنیتی مخالفان جمهوری اسلامی ایران محسوب

می‌شود. بر این پایه دولت و نهادهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باید بدون گرایش افراطی همچنان به حمایت معنوی و مستمر از شیعیان آفریقا به ویژه در نیجریه ادامه دهند و از ظرفیت دیپلماتیک، فرهنگی و سیاسی خود در زمینه حمایت از همزیستی مسالمت آمیز ادیان و مذاهب در این کشور بر پایه ایجاد اقتدار مدنی استفاده کنند. در این راستا برقراری ارتباط میان کانون‌های علمی نیجریه و دیگر کشورهای غرب آفریقا با نهادهای تأثیرگذار علمی در ایران می‌تواند بستر ساز این مهم بوده و دستاوردهای موجود در مسیر تولید علم و معرفت‌افزایی می‌تواند جریان‌های شیعی را برای ایجاد اقتدار مدنی آنان تقویت کند.

منابع و مأخذ

- برنابلداچی، سیروس (۱۳۸۲)، "هلال شیعی و ژئوپلیتیک خاورمیانه"،
پگاه حوزه، مهر، شماره ۱۹۲.
- توال، فرانسوا (۱۳۸۲)، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه کتیون باصر، تهران:
انتشارات ویستار.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۶)، صحیفه نور، تهران: موسسه موسسه تنظیم و نشر
آثار امام خمینی.
- دکمجیان، هرایر (۱۳۷۲)، جنبش‌های اسلامی در جهان عرب،
ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۶)، معرکه جهان بینی‌ها، تهران: انتشارات احیاء
کتاب.
- روآ، الیویه (۱۳۷۸)، تجربه اسلام سیاسی، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی
و حسین مطیعی امین، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی



سعید، بابی (۱۳۷۹)، **هراس بنیادین**، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

سید قطب، (۱۳۵۵)، **زیر بنای صلح جهانی**، ترجمه و توضیح سیدهادی خسروشاهی و زین العابدین قربانی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
عنایت، حمید (۱۳۷۲) **اندیشه سیاسی در اسلام معاصر**، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات خوارزمی.

عنایت، حمید (۱۳۷۷) « **انقلاب اسلامی: مذهب در قلب ایدئولوژی سیاسی**»، ترجمه امیر سعید الهی، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، بهمن و اسفند.

فی، برایان (۱۳۸۱)، **فلسفه امروزین علوم اجتماعی**، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
لورین، زالما ایساکوویچ (۱۳۷۸) **اندیشه‌ها و جنبش‌های نوین سیاسی اجتماعی در جهان عرب**، ترجمه یوسف عزیزی بنی‌طرف، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مانهایم، کارل (۱۳۸۰) **ایدئولوژی و یوتوپیا**، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات سمت.

متقی‌زاده، زینب (۱۳۸۴)، **جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس**، قم: موسسه شیعه‌شناسی.

مغنیه محمد جواد (۱۳۴۳)، **شیعه و زمامداران خودسر**، ترجمه مصطفی زمانی، قم: انتشارات شهید گمنام.



ویر، ماکس (۱۳۷۴) **اقتصاد و جامعه**، ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی
نژاد، مصطفی عماد زاده، تهران: انتشارات موسی.

هوارث، دیوید (۱۳۷۸)، **"نظریه گفتمان"**، در جری استوکر و دیوید
مارش، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران:
پژوهشکده مطالعات راهبردی.

----- (2005) , **"The Shiite Question In
Saudi Arabia"** , Crisis Group Middle East Report,

Available At:
[www.crisisgroup.org/~media/Files/Middle%20East%20North%20Africa/Iran%20Gulf/Saudi%20Arabia/The%200Shiite%20Question%20in%20Saudi%20Arabia.ashx](http://www.crisisgroup.org/~/media/Files/Middle%20East%20North%20Africa/Iran%20Gulf/Saudi%20Arabia/The%200Shiite%20Question%20in%20Saudi%20Arabia.ashx)

----- (2014) **the Arab American Institute
Reports**, Available online at:
<http://www.aaiusa.org/pages/opinion-polls/>

Abu-Nasr, Donna. **'As Trump Makes Threats, Iran
Makes Friends'**. Bloomberg, March 8, 2017.
<https://www.bloomberg.com/news/features/2017-03-08/as-trump-makes-threats-iran-makes-friends> (accessed
July 10, 2017).

Adesomoju, Ade, Olaleye Aluko, and Oladimeji
Ramon. **'SERAP Drags Buhari to UN for Disobeying
Court Judgments'**. The Punch, May 14, 2018.
<https://punchng.com/serap-drags-buhari-to-un-for-disobeying-court-judgments/> (accessed September 10,
2018).

Chidiebube, Jasper Uche (2019) **Shia Islam
clampdown in Nigeria: A recipe for insurgency?**
African Security Review, 28:3-4.



Daily Post, May 13, 2018.
<https://dailypost.ng/2018/05/13/el-zakzaky-different-boko-haram-shiitesreply-ex-us-envoy-campbell/> (accessed June 22, 2018).

Falana, Femi. (2018) '492 Shiites Killed by Nigerian Govt in Four Years'. Premium Times, November 5, 2018. <https://www.premiumtimesng.com/news/top-news/294211-492-shiites-killed-by-nigerian-govt-in-four-yearsfalana.html> (accessed December 10, 2018).

Kubalkova, Vendulka (1998), **International Relations in A Constructed World**, New York: M.E Sharpe.

Maina, Maina(2018) 'El-Zakzaky: We're Very Different from Boko Haram – Shiites Reply Ex-US Envoy, Campbell'.

McCarty, E. Doyli (1996), **Knowledge as Culture: The New Sociology of knowledge**, London: Routledge.

Okakwu, Evelyn(2016) 'Court Orders Immediate Release of Shi'a Leader, El-Zakzaky'. Premium Times, December 2, 2016. <https://www.premiumtimesng.com/news/headlines/216936-breaking-court-orders-immediate-release-nigeria-shia-leader-el-zakzaky.html> (accessed June 14, 2017).

Pew Research Centre(2017). 'Mapping the Global Muslim Population'. October 7, 2009. <https://www.pewforum.org/2009/10/07/mapping-the-global-muslim-population/> (accessed December 12, 2017).

Ringmar, Erik (1997), "Wendt: A Social Scientist Struggling with History", in, Iver Neumann and Ole Wæver, *The Future of International Relations*, London: Routledge

Rortey, Richard (1989) **Contingency, Solidarity and Irony**, Cambridge: Cambridge University Press.

Runsewe, Oreoluwa(2015) **'Here's Some Background on Shiite and Sunni Relations in Nigeria'**. Ventures Africa, December 15, 2015. <http://venturesafrica.com/141489/> (accessed February 10, 2017).

Smith, Lillian (1963), **Killers of Dreams**, New York.

Teitelbaum, Joshua (2007), **"Has The Shiite Crescent Disappeared? Saudi Arabia and The Us Alliance Against Iran"**, in **Telavivnotes**. Available online at: www.tau.ac.il/dayancenter/Has_the_Shiite_Crescent_Disappeared.pdf

Thurston, Alexander(2017). **'Shi'ism and Anti Shi'ism in Nigeria'**. MAYDAN, May 15, 2017. <https://www.themaydan.com/2017/05/shiism-anti-shiism-nigeria/> (accessed September 5, 2017).

www.swivel.com/charts/2328-Sunni-Population-and-Shia-Population-by-Country

Yahaya, Halimah (2019), **Nigerian govt accuses El-Zakzaky of planning Iranian-type revolution in Nigeria**, Retived (August 28, 2019)

Zenn, Jacob.(2013) **'The Islamic Movement and Iranian Intelligence Activities in Nigeria'**. Combating Terrorism Center Sentinel 6, no. 10 (October 2013). <https://ctc.usma.edu/the-islamic-movement-and-iranianintelligence-activities-in-nigeria/> (accessed April 11, 2017).



